

## سفرنامه کلاویخو - ترجمه مسعود رجب نیا- چاپ ۱۳۴۴

سیاح اسپانیایی این کتاب را در -۱۴۰۶م / ۷۸۵ ش / ۸۰۹ ق - نوشته است

(او پس از حمله تیمور به ایران آمده و اکثر شهرهای ایران تحت تسلط فرماندهان و مأموران تیمور بوده است)  
( تیمور در سال ۱۳۳۵م (۷۳۶ ق) متولد و در سال ۱۳۶۹م (۷۷۱ ق) با پیروزی بر رقیبان بر سمرقند مسلط شد. او در ۱۳۵۰ م شهر قبچاق و مسکوی را گرفت در سال ۱۳۸۰ م (۷۸۲ق) به ایران حمله و ایران را تسخیر کرد و ۱۳۹۸ م (۸۰۱ق) به نواحی شمال غربی هندوستان حمله کرد و پیروز شد و در ۱۴۰۰م (۸۰۳ ق) در سن ۶۵ سالگی بر سلطان عثمانی و سلطان مصر (سوریه) و گرجستان پیروز و در ۱۴۰۱ (۸۰۴) دمشق را گرفت و بغداد را تاراج کرده و در ۱۴۰۲ م مجدداً به عثمانی حمله کرد و سلطان با یزید را (که بخشی از سپاهیان با مسیحیان در جنگ‌های صلیبی مشغول بودند) شکست داد و او را اسیر کرد و در نتیجه تا نیمه قرن بعد، قسطنطنیه که در حالت تسلیم شدن به سلطان عثمانی بود، موقتاً در دست مسیحیان باقی ماند در این دوران تیمور به علت شکست دولت عثمانی، مورد توجه امپراطوری‌های مسیحی قرار گرفت و از طرف دولت اسپانیا «کلاویخو» را به عنوان سفیر به همراه سفیر تیمور که به دربار او رفته بود با هدایایی زیاد به دربار تیمور گسیل داد.

\*\*\*\*\*

در این کتاب میخوانیم :

مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروهی بی‌شمار به زیارت آن می‌آیند، هر زائر که به آنجا رفته باشد، چون بازگردد همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند ...

پنجشنبه آخر ژوئیه از مشهد به شهر بزرگی رسیدیم و به نام بوئلو (که همان طوسی باشد) این شهر نیز در استان خراسان واقع است. شهری است بسیار خرم و مفرح و جمعیت آن از همه آبادی‌هایی که از سلطانیه تا اینجا بر سر راه بودند، بیش تر بود.

- کلاویخو در ۱۴۰۳م تا ۱۴۰۶م از طریق خوی، تبریز، میانه، سلطانیه، قزوین، تهران، ری، لار، فیروزکوه، دامغان، جاجرم، اسفراین، نیشابور، مشهد، سرخس، مرو، بلخ و ... به سمرقند رسید و چند ماه در پایتخت تیمور مهمان او بود.
- و از طریق بخارا، ابیورد، خبوشان، جاجرم، دامغان، سمنان، تهران، قزوین، میانه، تبریز به کشورش مراجعت کرد.
- او در مشهد وارد حرم امام رضا (ع) شد (در آن تاریخ ورود غیرمسلمان به حرم امام رضا علیه‌السلام ممنوع نبود).
- او شهرهای نیشابور و طوس را مهم تر و آبادتر از مشهد معرفی کرده است.
- در آن زمان تیمور ۷۲ ساله پس از همه پیروزی‌ها، چون بیمار و چشمانش ضعیف شده بود. در سمرقند در قصرهای خود به همراه ۸ همسر قانونی خود با تعداد ۴ پسر و تعدادی دختر و نوه‌ها زندگی را به استراحت و سرکشی و نظارت ساختمان‌های در دست ساخت می‌گذراند (چون نمی‌توانست بر اسب سوار شود با تخت روان سرکشی را انجام می‌داد).

ص ۱۸۲: (واقعه کشتن ۶۰ هزار نفر از ایل آق قیونلو<sup>۱</sup> که در منطقه دامغان به کشتن مردم و تاراج آنجا زده بودند، ذکر کرده و می‌نویسد از سر کشته‌شدگان، چهار منار ساختند).

ص ۱۹۳: (به طوس - بوئلو - رسیدند که جمعیت زیادی ساکن و شهری آباد است).

ص ۱۹۲: (وارد مشهد می‌شود)

---

<sup>۱</sup> - قرا قیونلوها (گوسفند سیاه) شیعه و دشمن تیمور بودند و بالعکس آق قیونلوها (گوسفند سفید) سنی و مورد محبت تیمور بودند، نویسنده اشتباهاً بجای قرا قیونلو، آق قیونلو ذکر کرده است.

ص ۲۲۳ : ( به سمرقند می‌رسد)

ص ۲۳۵: (شرح حضور سفیران اسپانیا و همراهان و سفیر مصر که در بین راه با آنها همراه شده بودند در مجلس تیمور و زنانش و صرف شراب و انواع غذاها، میوه‌ها و سرگرمی و موسیقی. و ذکر اینکه تیمور اجازه دستبوسی به کسی نمی‌داد، زیرا این کار را بد می‌دانست.)